

آثار تربیت دینی در حوزه رفتاری از منظر قرآن

تقی ستایش سرور*

محمد فلاحی قمی**

چکیده

از مهم‌ترین حوزه‌هایی که تربیت دینی در آن تاثیرگذار است، حوزه رفتارها است؛ اعضاء خانواده با رعایت وظایفی که نسبت به یکدیگر دارند جلوی بسیاری از مشکلات را می‌گیرند. این مقاله با هدف تبیین آثار تربیت دینی در خانواده در عرصه رفتاری با رویکرد قرآنی تدوین شده است برای این منظور با روش تحلیلی-توصیفی نظر اندیشمندان و مفسران اسلامی درباره وظایف اعضاء خانواده نسبت به یکدیگر و تاثیر آن، بررسی و تحلیل گردید.

دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که رعایت وظایف در قرآن کریم اهمیت فراوانی داشته و عبارتند از: تحکیم خانواده، رسیدن خانواده به آرامش، جلوگیری از فحشا و ناهنجاری در خانواده، صبر در انجام وظایف بین فرزندان. البته در نگاه کلی، خانواده دینی نگاهی خدامحور به هستی داشته و امیال و هواهای انسان، محور نیست بلکه آنچه به روابط خانوادگی هویت می‌بخشد، قوانینی است که خداوند به مثابه قواعد رفتاری زن، مرد و فرزندان در خانواده بیان کرده است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، خانواده در قرآن، وظایف خانواده، تاثیر رعایت وظایف.

* طلب سطح چهار حوزه علمیه قم. taghisetayeshsorour@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله سطح سه آقای تقی ستایش می‌باشد.

** استاد حوزه و جامعه المصطفی العالمیه. fallahi.ghomi@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم کتاب تربیت انسان به سوی هدف و مقصد متعالی آن یعنی قرب‌الله است. در این کتاب آسمانی اشارات لطیف و دقیقی به رعایت تربیت دینی بین افراد و مخصوصاً اعضاء خانواده شده است. رعایت تربیت دینی در حوزه وظایف آثار زیادی در خانواده دارد که از نگاه آیات و مفسران در این مقاله بررسی شده است. مزیت موضوع این مقاله نسبت به موضوعات مطروحه‌ی گذشته آن است که در حوزه تربیت وقتی که متربی به فواید رعایت وظایف و حقوق پی‌می‌برد یا آن را در دیگران به عینه مشاهده می‌نماید با عطش بیشتری به استقبال آن رفته و به آن همت می‌گمارد.

۶۴

پیشینه پژوهش نشان می‌دهد با توجه به این که اندیشمندان زیادی در مورد حقوق اعضاء خانواده به عنوان یکی از حوزه‌های تربیتی مباحثی را مطرح کرده‌اند لکن با بررسی‌های انجام شده، نواقص و ایرادهایی دارند مثلاً: بیشتر به مبانی، اهداف و روش‌ها پرداخته شده نه آثار، بیشتر از جنبه روایات به موضوع پرداخته شده نه آیات، تک‌بعدی بوده نه چند بعدی و از همه مهم‌تر برای زمان خود بوده نه زمانی که الان ما در آن زندگی می‌کنیم با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاص خود و ساختار تربیتی که در کشور جاری است لذا به نظر می‌آید که نتایج تحقیقات قبلی با شرایط فعلی تفاوت داشته باشد، به همین دلیل ضرورت دیدیم تاثیر تربیت دینی در خانواده‌های امروزی را در شرایط فعلی مورد بررسی قرار دهم.

بررسی آثار رعایت تربیت دینی در حوزه وظایف را می‌توان کاری نو در مباحث تربیتی به شمار آورد که دارای نتایج ارزشمندی در حوزه تعلیم و تربیت و تفسیر قرآن است با این بیان که در خانواده‌های امروزی مشکلی که به وجود آمده است عدم آرامش در افراد خانواده و محیط خانه است و نیز ارتباط عاطفی بین

آثار تربیت دینی در خانواده در حوزه رفتاری از منظر قرآن

اعضاء خانواده کم رنگ‌تر شده است. این عدم آرامش و کمبود رابطه عاطفی بین اعضاء باعث مشکلات دیگری همچون افسردگی، عدم اعتماد بنفس، ناهنجاری‌های اجتماعی و... گردیده است. در این پژوهش اگر بتوانیم به خانواده‌های امروزی با بررسی تربیت دینی در قالب مسائل ارتباطی ثابت کنیم که می‌توانند به آرامش حقیقی برسند و رابطه‌ای خوب و سالم بین یکدیگر داشته باشند، در واقع این مشکل اساسی را حل کرده‌ایم.

سؤال اصلی پژوهش آن است که مقصود از آثار تربیت دینی در خانواده در حوزه رفتاری از منظر قرآن چیست؟ و این حوزه‌ی رفتاری دارای چه آثاری است؟ این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: ارتباط بین همسران، ارتباط بین فرزندان و ارتباط بین والدین و فرزندان و بعد از بیان وظایفی که اعضاء خانواده نسبت به یکدیگر دارند، آثاری که با رعایت هر یک از این وظایف حاصل می‌شود را ذکر خواهیم کرد.

بخش اول: ارتباط بین همسران

اولین ارتباط از روابط درون خانوادگی، رابطه بین همسران است چرا که همسران اصلی ترین رکن یک خانواده را تشکیل می‌دهند؛ رابطه صحیح بین همسران میسر نخواهد شد مگر آنکه حقوق و تکالیفی که نسبت به یکدیگر دارند را شناخته سپس آنرا در مرحله رفتار و عمل به نمایش بگذارند تا زندگی سالم توأم با آرامش داشته باشند. اما قبل از آن باید گفت اسلام در جامعه‌ای که چیزی به نام حقوق معنا نداشت، روابط خانوادگی را بر حقوق پایه‌ریزی نمود. حقوق خانواده به مجموعه اصول و قواعدی گفته می‌شود که روابط افراد خانواده را سامان می‌دهد. در این شاخه از حقوق با درنظر گرفتن اموری چون مصالح اعضاء و نهاد خانواده و کارکردهای این نهاد (حفظ و بقای نسل، تامین نیازهای عاطفی و روانی اعضاء و برقراری نظام مراقبتی و حمایتی از کودکان) چگونگی



روابط حقوقی اعضای خانواده تبیین و حقوق و تکالیف آنان نسبت به یکدیگر مشخص می‌شود، بررسی کاربرد حقوق خانواده نیز لازم و ضروری است (محمودی، ۱۳۹۶، ص ۱). لذا ابتدا به حقوق متقابل زن و شوهر می‌پردازیم سپس آثار آن را در خانواده بررسی خواهیم نمود.

الف) حقوق زن و وظایف مرد در برابر آن

خداوند در قرآن کریم حقوقی برای زن بر عهده شوهر قرار داده است و مردان را مکلف به ادائی این حقوق و وظایف نموده است و آنان را از هرگونه سختگیری بر زنان منع کرده است. در ادامه به چند نمونه از حقوق زنان از منظر قرآن اشاره می‌کنیم:

۶۶

پرداخت مهریه: صداق و مهر یکی از حقوق زنان بر عهده شوهرها است که آنان وظیفه دارند به زنان خویش پرداخت نمایند، مگر آن که زنی مهریه خود را به شوهر ببخشد «وَ آتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِينَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِئًا مَرِيئًا؛ مهر آنان را به طیب خاطر به آنها بدھید و اگر پاره‌ای از آن را به رضایت به شما بخشیدند بگیرید که خوش و گوارایتان خواهد بود» (نساء: ۴).

تأمین رفاه متناسب: یکی از علل سرپرست بودن مردان به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق و پرداخت‌های مالی در برابر زن و خانواده به عهده دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۳۷۱) «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند» (نساء: ۳۴). در تفسیر الدر المتشور به نقل از پیامبر ﷺ آمده است که: بر مردان لازم است که خوراک و پوشак زنان را به طور شایسته بدھند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۱۳۲).

تولید نسل و مباشرت: طبیعت خلقت زن و مرد طوری است که هر یک طرف مقابل را می‌جوید و این دو جذبه، در کشش طرفینی خود هدفی به جز

آثار تربیت دینی در خانواده در حوزه رفتاری از منظر قرآن

تولید مثل و بقای نوع بشر را دنبال نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ص ۲۷۷). هر یک از آن‌دو، طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است لذا این دو جمله «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آنها پوشش شما بایند و شما پوشش آنها باید» (بقره: ۱۸۷)، استعاره‌ای لطیف از قرآن است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ص ۴۴).

رفتار نیکو و احترام متقابل: بالاترین و مهم‌ترین وظیفه مرد رفتار نیکو با همسر و احترام متقابل است؛ خداوند متعال در قرآن کریم با جمله «عَاشِرُو هُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ بِاَنَّا نَحْنُ بِنِيَّتِكُمْ رَفِيقُكُمْ» (نساء: ۱۹)، افزون بر نهی از اذیت زنان، دستور می‌دهد که براساس معروف با آن‌ها زندگی کنید و معروف یعنی آنچه را عقل و نقل به رسمیت شناخته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ص ۱۶۰). مردان مسلمان باید هم‌چون پیامبر ﷺ با لغزش‌های خانواده خویش باگذشت و بزرگواری برخورد کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ص ۳۷).

ب) تاثیر رعایت حقوق زن در خانواده

بعد از آشنایی با حقوق زن و رعایت کردن آن از جانب شوهر آثاری را در خانواده مشاهده خواهیم نمود که نشان‌دهنده یک خانواده سالم است مثلاً یکی از آثار آن، ایجاد دوستی و محبت بین زن و شوهر است که مهم‌ترین عامل آرامش در خانواده است؛ رفتار نیکو نسبت به همسر یکی از حقوقی بود که مطرح شد و از مصادیق رفتار نیکو، بخشش و گذشت در مقابل کوتاهی‌ها و نقص‌های همسر است که سبب ایجاد دوستی و محبت در خانواده است (عیسی زاده، ۱۳۹۰، ص ۵۴-۵۵) : «ادْفَعْ بِالْأَتْيَى هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَانَهُ وَلَئِنْ حَمِيمٌ؛ بَدِي را بِاَنِيَّ دَفَعْ كَنْ، نَاكَاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است» (فصلت: ۳۴). شأن نزول این آیه این است که ابو جهل، پیامبر ﷺ را بسیار آزار و اذیت می‌نمود و حضرت



نیز کراحت داشت حتی نگاهش به او بیفتد لذا آیه نازل شد که جواب بدی را با خوبی بده تا از دوستداران تو گردد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ص ۷۴۳)؛ زمانی که اسلام نسبت به مخالفان، این‌گونه فرمان می‌دهد به طریق اولی نسبت به بدرفتاری و کوتاهی مسلمانان دیگر مخصوصاً خانواده و نزدیکان انسان دستور به مهربانی و گذشت خواهد داد: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ پیامبر و یارانش در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» (فتح: ۲۹)؛ تا نتیجه آن را که شفقت و دوستی است ببینند و آرامش و صلح و صفا و الْفَت بین قلوب در اعضای خانواده حکم فرما گردد.

۶۸

تأثیر دوم که از رعایت حقوق زن نشأت می‌گیرد، استحکام خانواده است که از هر چیزی بیشتر برای یک خانواده دینی نیاز است؛ یکی از حقوقی که در قسمت قبل مطرح شد حق^۱ مباشرت بود به گونه‌ای که بعضی از مفسرین جاذبه جنسی را شرط استحکام پیوند زناشویی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۵۳۱) پس حق^۲ مباشرت از وظایف مهمی است که البته با آگاهی به شرایط آن، مثلاً عدم مباشرت هنگام حیض (حسنی واعظ، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۱۵۰) و موارد دیگری که در کتب فقهی ذکر شده، باید مراعات گردد.

تأثیر سوم که جنبه تربیتی دارد، تاثیر در تربیت فرزندان است؛ وقتی شوهر با همسرش خوش‌رفتاری می‌کند و شخصیت زن را محفوظ می‌دارد او با آرامش خاطر و تلاش بیشتر به تربیت اولاد می‌پردازد؛ به گفته صاحب تفسیر انوار درخشنان: «با همسران خود حسن سلوک داشته و خوش‌رفتار باشید و همواره با گفتار نیک و گشاده‌روئی با آنها زندگی نمایید. آنها در تشکیل خانواده و بقاء نسل عضویت دارند و مخصوصاً نقش مؤثری که در پرورش فرزندان دارند، هرگز آنان را نباید نادیده گرفت» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ص ۵).

تأثیر چهارم، ازدواج آسان برای فرزندان است؛ چنان‌چه در قسمت حقوق مطرح شد از نظر اسلام مهریه یکی از حقوق مسلم زنان است اما نباید به آن فقط از دید مادی نگریست؛ آموزه‌های دینی مهریه را به دید یک أمر مادی صرف نمی‌بیند بلکه آن را منشأ حقیقت‌های ملکوتی می‌داند و به جریان نکاح زن و مرد، صبغه ازدواج بهشتیان با حورالعين را می‌دهد و به خانواده‌ها می‌آموزد که هویت انسانی زن و مرد فراتر از این امور مادی است زیرا نه تنها اوّلین کابینی که برای مبدأ نسل کنونی بشر، یعنی نکاح آدم و حوا معین شد، آموزش احکام و حکم الهی بود، بلکه گاهی رسول اکرم ﷺ صداق برخی از اصحاب صدر اول اسلام را تعلیم سوره‌ای از قرآن قرار می‌داد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، «ب»، ج ۲: ص ۴۲۸). پس با توجه به تربیت دینی با ساده گرفتن مهریه از سوی بزرگترهای فامیل، یکی از اصلی‌ترین موانع ازدواج رفع می‌شود.

ج) حقوق مرد و وظایف زن در برابر آن

بعد از بررسی حقوق زن و رعایت آن از جانب شوهر نوبت به آشنایی با حقوق مرد می‌رسد و این‌که زن نسبت به آن چه وظایفی را بر عهده دارد چرا که محیط زناشویی زمانی برای زن و شوهر محل سکون و آرامش است که هر کدام به نوبه خود به وظایف شرعی و عرفی خویش عمل کنند. در قرآن کریم وظایف زن نسبت به مرد مطرح شده که در ذیل این بحث چند نمونه از آن را ذکر می‌نمائیم:

اطاعت از شوهر و حق تمکین: محدوده اطاعت از شوهر آن مقدار است که شرع تعیین کرده و إلا در معصیت و نافرمانی خدا نباید از شوهر اطاعت نمود. در تفسیر الدر المتشور روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده که حضرت فرمود: «...و از حقوق شما مردان بر زنان این است که در هیچ کار معروفی نافرمانی تان نکنند» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۱۳۲). و نیز از آن حضرت نقل شده است که: خدا لعنت کند زنی که خضاب و سرمه نکند هم چنین زنی که شوهر را اجابت نکند



و در انجام خواسته او تأخیر و کوتاهی کند و عذرهای پوج بتراشد، ملعون شمرده شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ص ۲۱۷).

خیانت نکردن به شوهر و حفظ امانت: زنان صالح کسانی هستند که متعهد در برابر نظام خانواده می‌باشند و نه تنها در حضور شوهر بلکه در غیاب او «حفظ الغیب» می‌کنند، یعنی مرتكب خیانت چه از نظر مال و چه از نظر ناموس و چه از نظر حفظ شخصیت شوهر و اسرار خانواده در غیاب او نمی‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ص ۳۷۱): «فَالصَّالِحَاتُ قَاتِنَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ وَ زَنَانٌ صَالِحٌ، زَنَانٌ هَسْتَنْدَ كَهْ مَتَوَاضِعْنَدَ، وَ دَرْ غَيَابٍ (هُمسِرُ خَودَ)، اسْرَارٌ وَ حَقُوقٌ أَوْ رَأْ، دَرْ مَقَابِلَ حَقُوقٍ كَهْ خَدَا بَرَای آنَانَ قَرَارَ دَادَهَ، حَفِظَ مَيْكَنَدَ» (نساء: ۳۴).

راز داری: حفظ اسرار و مشکلات خانه یکی از مهم‌ترین نکاتی است که برای ایجاد آرامش در خانواده لازم و ضروری است. خداوند در سوره تحریم، آیات ۳ و ۴ بعضی از همسران پیامبر ﷺ را به خاطر ترک رازداری شدیداً ملامت و سرزنش می‌کند.

پرهیز از آراستگی برای غیر شوهر: «وَ لَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...؛ وَ زَنَانٌ زَينَتُ خَوْدَ رَا آشْكَارَ نَسَانِدَ مَگَرَ بَرَای شَوَهْرَانِشَانَ (یا مَحَارَمَ دِیْگَرَ كَهْ دَرَ اَدَمَهَ آیَهَ آَمَدَهَ اَسَتَ)» (نور: ۳۱). جناب طبرسی می‌نویسد مراد از زینت در اینجا مواضع زینت است نه خود زینت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ص ۲۱۷).

د) تاثیر رعایت حقوق مرد در خانواده

بعد از آشنایی با حقوق مرد و رعایت آن از جانب همسر، آثاری را در خانواده مشاهده خواهیم کرد که نشان‌دهنده موفقیت آن خانواده است. به چند نمونه از این آثار اشاره می‌کنیم: از حقوقی که در بالا اشاره شد حفظ امانت بود؛ امانت‌داری زن سبب اعتماد شوهر در زندگی می‌شود (قائمه، ۱۳۹۳، ص ۱۹۱) به‌طوری که سوءظن‌های بی‌مورد از بین رفته و آرامش خاصی در محیط خانواده حاکم می‌شود. از حقوق دیگر، پرهیز از آراستگی برای غیر شوهر بود؛ این امر

سبب می‌شود مرد در اجتماع به سمت بی‌بند و باری نرفته و بنیان خانواده از هم پاشیده نشود؛ در تفسیر المیزان این‌گونه بیان شده که: «هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲: ص ۴۴).

یکی دیگر از حقوقی که بین زن و شوهر باید رعایت گردد و آثار مهمی بر آن مترتب است، حق مشاوره و هم‌فکری است؛ قرآن کریم یکی از مصادیق آن در زندگی خانوادگی را ذکر فرموده است: «إِنَّ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاءُرٌ فَلَا جُنَاحٌ عَلَيْهِمَا؛ اگر پدر و مادر با رضایت یک‌دیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست» (بقره: ۲۳۳). در این آیه درباره یک موضوع خانوادگی که چندان هم اهمیت ندارد، چنین رهنمون داده می‌شود که زن و مرد درباره بازگیری کودک خود از شیر مادر با یک‌دیگر مشورت کنند. وقتی درباره چنین موضوعی مشورت لازم باشد، روشن است که در مسائل دیگر هم لازم می‌شود (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲: ص ۲۸۷). مشورت آثار و فواید فراوانی دارد از قبیل: ۱- انسان کمتر گرفتار لغزش می‌شود. ۲- انسان در مشورت می‌تواند بهترین رأی و نظریه‌ها را انتخاب کند. ۳- اگر انسان در کار خود مواجه با پیروزی شود، کمتر مورد حسد دیگران واقع می‌شود و اگر شکست بخورد زبان اعتراض مردم بر او بسته است (دهقان، ۱۳۹۱، ص ۳۹۳).

حق دیگری که بیان شد، تمکین زن از شوهر بود که یکی از آثار آن، در نزدیکی زن و شوهر نسبت به یک‌دیگر [در پی انصراف توجه از دیگران] و گرمی کانون خانواده مؤثر است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۸۸). البته بعضی از مفسران قائلند در صورت نشوز، شوهر می‌تواند بر همسر خود سخت‌گیری کند و تمامی دارایی‌هایش را بگیرد لکن به عقیده صاحب التفسیر الكاشف، شوهر



نمی‌تواند بر همسرش برای مال سخت‌گیری کند، مگر این‌که وی مرتكب زنا شود. به علاوه، ارتکاب گناه، باعث مجاز بودن تصرف در اموال گناهکار نمی‌شود، و گرنه نظام از هم می‌پاشد و هرج و مرج فraigیر می‌شود (مغنية، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ص ۲۸۰). راه حل نشوز: نصیحت با زبانی نرم و همراه با کلماتی زیبا و با هزینه کردن عاطفه و محبت به هنگام موعظه و بیم دادن به زن از عاقبت سوء نشوز، ممکن است در روحیه زن اثر بگذارد و او را از مدار زشت نشوز خارج کند و به گردونه اطاعت از شوهر بازگرداند و آرامش روحی و امنیت خاطر برای مرد فراهم گردد (انصاریان، ۱۳۹۴، ج ۸: ص ۲۰۵).

۷۲

بخش دوم: ارتباط بین فرزندان

دومین ارتباط از روابط درون خانوادگی، رابطه بین فرزندان است؛ فرزندان خانواده نیز از ارکان خانواده محسوب می‌شوند و از قاعده بالا مستثنی نخواهند بود یعنی رابطه صحیح بین آنان می‌سیر نخواهد شد مگر آن‌که آنان حقوق و تکالیفی که نسبت به یکدیگر دارند را شناخته سپس آن‌را در مرحله عمل و رفتار به نمایش بگذارند تا آرامش و سلامت خانواده را در پی داشته باشد. در این بحث به حقوق و وظایفی که فرزندان نسبت به یکدیگر دارند خواهیم پرداخت:

الف) حقوق بین فرزندان

حقوق و وظایفی که فرزندان نسبت به یکدیگر دارند را می‌توان به دو بخش ایجابی مانند: رعایت عفت و حیا، صبر و هم‌کاری، و بخش سلبی مانند: عدم حسادت و عدم ظلم و ستم، تقسیم کرد که رعایت هر دو بخش لازم و ضروری است. در ادامه به برخی از حقوق طرفینی فرزندان نسبت به هم از منظر قرآن می‌پردازیم:

رعایت عفت و حیا بین یکدیگر: عفت در اینجا هم عفت گفتاری را شامل می‌شود که با رعایت احترام با یکدیگر سخن بگویند، هم عفت رفتاری را، با این

آثار تربیت دینی در خانواده در حوزه رفتاری از منظر قرآن

توضیح که: درست است برادر و خواهر با یکدیگر محروم هستند اما این محرومیت محدوده اش به اندازه محرومیت زن و شوهر نیست؛ در تفسیر المیزان آمده: «مخالفت فطرت با ازدواج خواهر و برادر برای این است که این أمر باعث شیوع فحشا و منکرات می‌شود و باعث می‌گردد غریزه عفت باطل گردد و عفت عمومی لکه‌دار شود» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ص ۱۴۵).

صبر و تحمل نسبت به یکدیگر: یکی از پندهای حضرت لقمان به فرزندش صبور بودن فرزند است «یا بُنَىٰ... وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمٍ أَلْأَمُورِ؛ پسrom! در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است» (لقمان: ۱۷).

عدم حسادت نسبت به یکدیگر: حسادت یکی از مهم‌ترین وظایف سلبی بین خواهر و برادر است؛ ضعف تقوا و بالوپر دادن به بیماری مهلک حسادت، قابل را برای کشن برادر خود یعنی هایبل که فردی متغیر بود، آمده کرد (امامی، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۱۱۷).

عدم ظلم و ستم نسبت به برادر و خواهر: به قولی از مفسران، در تفسیر سخن یوسف علیهم السلام به برادرانش «قالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا؛ شما (از دیدگاه من)، از نظر منزلت بدترین مردمید» (یوسف: ۷۷). گفته شده: ایشان می‌خواست برادران را متوجه این نکته کند که ستمکاری آنان سبب شده است که ابن‌یامین دزدی کند (اگر چنین کاری به دست ابن‌یامین صورت گرفته باشد) (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵: ص ۲۰۱).

ب) تاثیر رعایت حقوق بین فرزندان در خانواده

تاثیراتی که با رعایت حقوق و وظایفی که فرزندان نسبت به یکدیگر دارند در خانواده حاصل می‌شود از این قرار است: اولین تاثیر، جلوگیری از فحشا و ناهنجاری در خانواده است؛ چرا که با رعایت عفت و حیا (یکی از حقوقی که در بالا اشاره شد)، فرزندان به سمت ارتکاب به گناه و بی‌بندوباری و ناهنجاری‌ها



سوق پیدا نمی‌کنند و جلوی فحشا در خانواده گرفته می‌شود. در جامعه کنونی اتفاق افتاده است که عدم مراعات حیا از جانب خواهر و مادر سبب ارتکاب فحشای برادر در بیرون از خانواده شده و محکوم به اعدام گردیده، حتی این امر باعث ناهنجاری و بی‌بندوباری‌های عدیده‌ای در درون خانواده شده است چنان‌که علامه طباطبائی عدم رعایت آنرا موجب شیوع فحشا و منکرات دانستند و باعث بطلان غریزه عفت (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ص ۱۴۵). پس رعایت عفت و حیا عامل مهم دیگری برای رسیدن خانواده به آرامش است و مانع از ارتکاب به گناه.

۷۴

حقّ بعدی صبور بودن و شکیایی فرزند بود؛ فرزند صبور و شکیبا از این توانایی برخوردار خواهد شد که بر مشکلات و مصائب روزگار پیروز شود که یکی از اقسام آن صبر در انجام وظایف است (نجفی خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۶: ۱۱). مؤید این مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر نورالثقلین است که حضرت به حفص می‌فرماید: در تمام کارهایت صبر پیشه کن، همانا خداوند زمانی که پیامبر ﷺ را مبعوث کرد، او را به صبر و مدارا أمر نمود» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ص ۲۰۵). لذا تاثیر دومی که در خانواده مشاهده خواهد شد صبوری فرزندان نسبت به انجام وظایف است و این درحالی است که متأسفانه بسیاری از والدین از کم حوصلگی فرزندانشان در انجام وظایفشان رنج می‌برند.

حقّ بعدی عدم حسادت نسبت به یکدیگر است؛ حسادت موجب نادیده گرفته شدن حقوق حتی حق خویشاوندی می‌گردد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶: ص ۲۹). از آثار سوئی که برای حسادت شمرده شده است میل به راحتی و تنبی می‌باشد (داور پناه، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۴۶۶) که خود آثار محرّبی را به دنبال دارد؛ تنبی باعث عدم شکوفاشدن استعدادهای فرزند و ایجاد یأس نسبت به آینده می‌گردد.

حقّ بعدی دوری از ستم کاری نسبت به دیگر برادران و خواهران بود؛ عدم رعایت این امر سبب تضییع حقوق برادران دیگر می‌شود به‌طوری‌که حتی موجب سرخوردگی آنان می‌گردد. خطر ستم کاری آنقدر شدید است که ممکن است فرزندی که به او ستم شده است دست به دزدی بزند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۲۰۱). لذا تا حد امکان والدین موظفند از بوجود آمدن این مشکل جلوگیری کنند. در پایان باید گفت مجموعه‌ی قوانین اسلام سبب ایجاد انس و الفت بین فرزندان می‌شود؛ گفته‌اند اوس و خزرج دو برادر بودند که بین اولاد آنها یکصد و بیست سال عداوت بود و مرتباً جنگ می‌کردند تا آنکه هر دو قبیله مسلمان شدند و آن عناد مبدل به الفت شد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۱: ص ۴۶۹).

۷۵



بخش سوم: ارتباط والدین و فرزندان

سومین ارتباط از روابط درون خانوادگی رابطه بین والدین و فرزندان است؛ والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیف دارند، از طرفی تضییع حقوق پدر و مادر از گناهان بزرگ در اسلام معرفی شده است و اداء حقوق والدین بر فرزندان از جمله واجبات و سر لوحه وظائف اسلامی است و از طرفی دیگر برای فرزندان حقوقی شمرده شده است که والدین باید آن‌ها را رعایت کنند به اندازه‌ای که در زندگی اخروی آنان دخیل خواهد بود که در ادامه متذکر خواهیم شد:

الف) حقوق فرزندان و وظایف والدین در برابر آن

در تعالیم اسلام به حقوق فرزندان بسیار اهمیت داده شده است «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعُهَا لَا تُضَارَّ وَالِّدَةُ بُولَدِهَا وَ لَا مَوْلُودُ لَهُ بُولَدِهِ»^۱ برآن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاش مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه

مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر» (بقره: ۲۳۳). شایسته است والدین حتی قبل از تولّد فرزند، حقوق آنها را رعایت نمایند. برای فرزندان حقوق زیادی ذکر شده است از قبیل: تهیه رزق حلال، گزینش مادر فرزند، نام نیکو، تعلیم و تربیت، محبت اهل بیت علیهم السلام، رفتار نیکو، رعایت عدالت، کمک در ازدواج و شغل، تعلیم قرآن، شنا، تیر اندازی، ارث و... که به چند نمونه از آن وظایف می‌پردازیم:

گزینش مادر فرزند: خداوند متعال در آیه «وَقَدْمُوا لِأَنفُسِكُمْ؛ وَ (سعی نمائید

با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید» (بقره: ۲۲۳)؛
هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر، اصولی را رعایت کنید که به تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۱۴۲).

۷۶

انتخاب نام نیکو: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت مبعوث گردید، دستور داد نام بعضی از افراد را که مفهوم بد و زنده‌ای داشت، تغییر دهند حتی آن حضرت دستور داد که پدران برای فرزندان خود نام نیکوبی انتخاب کنند و این را یک حق لازم‌الاجرا بر عهده پدران شمرد. حال چه نامی برای فرزندانمان انتخاب کنیم، بنا به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ص ۱۸) خوب است نامی انتخاب کنی که حاکی از بندگی خداوند باشد و افضل آن نام‌ها، اسماء پیامبران است (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰).

تربیت دینی فرزند: حق تعلیم و تربیت در اسلام حقی مساوی میان زن و مرد است. اسلام مریبان خانواده را تشویق و تحریص کرده که فرزندان خود را معرفت و ادب آموختند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، «الف»، ص ۳۱۸). صاحب التفسیر الکاشف به نقل از حضرت زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: پدر مسئولیت دارد که

فرزند را به خوبی تربیت کند و به سوی پروردگارش ارشاد نماید و در اطاعت پروردگار وی را یاری دهد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ص ۲۰۹).

ب) تاثیر رعایت حقوق فرزندان در خانواده

از مهم‌ترین حقوقی که ذکر شد، تربیت دینی فرزند است؛ یکی از آثار و فوایدی که گفته شده این است که فرزندان خود را از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر افرادی مسئول و اجتماعی تربیت می‌کنیم (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹: ص ۲۶۱): «يَا بُنَىٰ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و...» (القمان: ۱۷) تربیت دینی، مراحلی دارد که تشویق، یکی از آن مراحل است و آثاری را در پی دارد از قبیل: «تقویت روحیه، شکوفایی استعداد و تحمل سختی‌های زندگی در فرزندان» (عیسی زاده، عیسی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

حق دیگری که ذکر شد، انتخاب مادری شایسته برای فرزند بود؛ خداوند متعال در آیه «وَقَدْمُوا لِأَنفُسِكُمْ؛ وَ (سعی نمائید با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید» (بقره: ۲۲۳)؛ هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر، اصولی را رعایت کنید که به تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۱۴۲). یعنی نسل شایسته بدون مادرانی شایسته به وجود نخواهد آمد. انتخاب نام نیکو از حقوق دیگر فرزندان بود؛ نام و لقب از مظاهر تجلی شخصیت انسانی است و نامها و القاب خوب، از ارزش و شایستگی انسان حکایت می‌کند؛ همچنان که نامها و القاب بد و زشت و تمسخرآمیز، از مقام و موقعیت و شخصیت انسان می‌کاهد و باعث سرافکندگی در میان دوستان و نیز در اجتماع می‌گردد (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹).

از دیگر حقوق فرزندان که بر عهده والدین می‌باشد، آموزش قرآن است، امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «یکی از حقوق فرزند بر پدر این است که به او



قرآن تعلیم دهد» (نهج البلاغه، کلمه ۳۹۹). آموزش کتاب الهی به فرزند، تاییج و آثار فراوانی دارد: قرآن مجید، هم ضعف‌ها و مرض‌هایی را که مربوط به حکمت نظری است با برهان، شفا می‌دهد و هم بیماری‌هایی را که مربوط به حکمت عملی است با تهذیب و تصفیه دل، بهبود می‌بخشد. قرآن کریم تمام بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی انسان را درمان می‌کند: جهل را (که بدترین بیماری درونی است) با علم و شک را با یقین، اندوه را با آرامش، ترس را با امید، اضطراب را با عزم و... برطرف می‌سازد. همچنین قرآن کریم امراض جسمانی را شفا می‌دهد، چنان‌که در روایات امامان معصوم علیهم السلام بدان اشاره شده است (سعدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳).

۷۸

ج) حقوق والدین و وظایف فرزندان در برابر آن

حق پدر و مادر شاید بعد از حق الهی، مهم‌ترین حقوق در اسلام به شمار آید و در فرهنگ اسلام بر حق پدر و مادر بسیار تأکید شده است. آیات و اخبار در حقوق والدین بسیار وارد شده؛ احسان به پدر و مادر به قدری اهمیت دارد که خداوند در کلام مجیدش آن را در ردیف عبادت و بندگی خود به شمار آورده است «وَإِذْ أَخَذْنَا مِثْاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ وَ (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و... نیکی کنید» (بقره: ۸۳). در ادامه به چند نمونه از این حقوق از منظر قرآن می‌پردازیم:

اطاعت از والدین و احسان به آنان: خداوند در آیات گوناگون، به احسان به پدر و مادر و اطاعت از آن‌ها سفارش کرده (ر.ک: بقره، ۸۳؛ نساء، ۳؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳ و ۲۵؛ عنکبوت، ۸؛ لقمان، ۱۴-۱۵؛ احقاف، ۱۵). خداوند اطاعت از والدین را در امور واجب، واجب کرده و در امور مستحب، مستحب کرده است و در امور ممنوع، حرام کرده است (سید کریمی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۷).

هم کاری با پدر و مادر: یکی از خصوصیات ارزشمند فرزند صالح همکاری با پدر و مادر می‌باشد که در قرآن نمونه‌هایی از آن آمده است؛ مانند هم کاری حضرت اسماعیل علیه السلام با پدرش حضرت ابراهیم علیه السلام در بنای کعبه و تطهیر آن «وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتَنِي... * وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ...؛ وَمَا بَهِ ابْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ امْرَ كَرَدِيمَ كَهْ: خَانَهُ مَرَا پَاكُ وَپَاكِیزَهْ کَنِیدَ * وَ(نِیزَ بَهِ یَادَ آورِید) هَنگَامِی رَا کَهِ ابْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ، پَایِه‌هَایِ خَانَهُ (کَعبَه) رَا بَالاً مَیِ برَدَنَدَ» (بقره: ۱۲۷-۱۲۵). و هم کاری دختران شعیب در دامداری با پدرشان «قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخُ كَيْرُ؛ گَفْتَنِدَ: مَا آنَهَا رَا آبَ نَمِی دَهِیمَ تَا چَوِیانَهَا هَمَگَی خَارِجَ شُونَدَ وَپَدرَ ما پَیِرَ مَرَدَ کَهْنَسَالَیِ اَسْتَ (وَقَادِرَ بَرَ اَيْنَ کَارَهَا نَیِّسَتَ)» (قصص: ۲۳) (عیسیٰ زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸).

دعا برای پدر و مادر: یکی از وظایف فرزند که در قرآن بدان توصیه شده دعا برای پدر و مادر است «وَقُلْ رَبُّ ارْحَمْهُمَا كَما رَيَانِي صَغِيرًا؛ وَبَگُو: «پَرَوْرَدَگَارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء: ۲۴). در روایات نیز به این کار توصیه‌های اکید شده است و انسان حتی بعد از مرگ پدر و مادر، باز باید برای آنها طلب مغفرت کند (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶: ص ۲۷۹).

وصیت برای پدر و مادر: «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدِينِ وَالآقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ؛ بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند» (بقره: ۱۸۰). در این آیه به عنوان یک حکم الزامی می‌گویید: بر شما نوشته شده هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد اگر چیز خوبی (مالی) از خود به جای گذارده به طور شایسته وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ص ۶۱۴).

د) تاثیر رعایت حقوق والدین در خانواده

آثاری که نسبت به رعایت حقوق والدین می‌توان ذکر کرد این است که فرزندان با رعایت وظایف خود نسبت به پدر و مادر سبب پیوستگی بین اعضاء خانواده خواهند شد؛ رعایت حقوق رحم سبب پیوستگی است، چون هر فردی ثمره و محصول زندگی پدر و مادر خود است و از پیوند آن دو و کوشش‌های آنها بوجود آمده (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ص ۳۲۶). از حقوقی که در بالا اشاره شد هم کاری با والدین بود؛ انجام این وظیفه سوای خشنود کردن والدین سبب کسب تجربیات خوبی برای فرزندان می‌شود، هم‌چنین اگر خدای ناخواسته- پدر و مادرشان به هر دلیلی از کار بیفتند، خواهند توانست مسئولیت زندگی را بر دوش بکشند و زندگی آبرومندانه را ادامه دهند (عیسی زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۳۸).

از حقوق دیگری که به آن اشاره شد وصیت برای پدر و مادر و اتفاق به آنان است. تاثیری که رعایت این حق در خانواده به جای می‌گذارد، تجدید محبت بین اعضای خانواده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۲۸۰). فردی به نام «عمرو بن جموح» بسیار پیر شده بود و مال بسیاری داشت، خواست آن را طوری اتفاق کند که موجب خشنودی حق تعالی و باعث نفع او در آخرت باشد، خدمت پیامبر ﷺ آمد، عرض کرد: چه چیز را اتفاق نمایم تا بهره‌ور شوم؟ آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ مَا ذَا يُنِفِّقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْدِّينُ وَ...؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز اتفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که اتفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و... باشد» (بقره: ۲۱۵) نازل شد (واحدی، ۱۳۸۳، ص ۳۸) یعنی **أَهْمٌ** مصارف برای پدر و مادر و خویشان نزدیکتر و گروه‌های دیگر (که مورد بحث ما نمی‌باشد) است.

نتیجه گیری

برای بررسی تاثیر تربیت دینی در خانواده در عرصه وظایف و حقوق تلاش شد با تقسیم‌بندی اعضاء خانواده به همسر، فرزند و والدین، وظایف هر یک را نسبت به دیگری از منظر قرآن مورد توجه قرار دهیم سپس آثاری که با رعایت این وظایف حاصل می‌شود را ذکر کنیم.

از آنچه تفحص شد روشی می‌شود که حوزه رفتاری و رعایت حقوق در سلامت و آرامش خانواده بسیار تاثیر گذار است. آثار دیگری که تربیت دینی در این حوزه در خانواده دارد از این قرار است:

رعایت حقوق همسر از جانب مرد موجب استحکام پیوند بین زن و شوهر، ایجاد دوستی و محبت و بهتر تربیت شدن فرزندان می‌شود و رعایت حقوق مرد از جانب زن باعث اعتماد شوهر در زندگی و کشیده نشدن او به سمت بی‌بند و باری می‌گردد.

رعایت حقوق فرزندان در بین یکدیگر سبب می‌شود جلوی فحشا و ناهنجاری در خانواده گرفته شود، صبر در انجام وظایف بین فرزندان بالا می‌رود و میل به راحتی و تنبی کم‌رنگ می‌شود.

رعایت حقوق فرزندان از جانب والدین، موجب شکوفایی استعداد در آنها و رعایت حقوق والدین از جانب فرزندان، باعث قدرت پیدا کردن برای اداره خانواده در صورت ضرورت و کسب تجربیات در زندگی می‌شود.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امامی، عبدالنبی (۱۳۸۹ش)، فرهنگ قرآن، اخلاق حمیده، چاپ اول، قم: مطبوعات دینی.
۲. انصاریان، حسین (۱۳۹۴ش)، تفسیر حکیم، قم: دار العرفان.
۳. ——— (۱۳۷۹ش)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: پیام آزادی.
۴. ثقیل تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان.
۵. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
۷. ——— (۱۳۸۴ش)، «الف»: حق و تکلیف در اسلام، قم: نشر اسراء.
۸. ——— (۱۳۸۴ش)، «ب»: سرچشمۀ اندیشه، قم: نشر اسراء.
۹. حسنی واعظ، محمود بن محمد (۱۳۷۶ش)، تفسیر شریف البالبل القلال، تهران: احیاء کتاب.
۱۰. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.
۱۱. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۲. داور پناه، ابوالفضل (۱۳۷۵ش)، آنوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات صدر.
۱۳. دهقان، اکبر (۱۳۹۱ش)، با قرآن در مکه و مدینه، تهران: مشعر.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۷ش)، نظام اخلاقی اسلام: تفسیر سوره مبارکه حجرات، قم: بوستان کتاب.
۱۶. سعدی، محمدجواد (۱۳۸۴ش)، پرسمان قرائت قرآن، قم: بوستان کتاب.
۱۷. سید کریمی حسینی، سیدعباس (۱۳۸۲ش)، تفسیر علیین، قم: اسوه.
۱۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، تفسیر الدر المنشور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۱. عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۴ش)، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۲۲. عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۰ش)، خانواده قرآنی، قم: بوستان کتاب.
۲۳. قائمی، علی (۱۳۹۳ش)، نظام حیات خانواده در اسلام، نشر انجمن اولیاء و مریبان.
۲۴. قراتشی، محسن (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

آثار تربیت دینی در خانواده در حوزه رفتاری از منظر قرآن

٢٥. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، *الکافی* (ط - الإسلامیة)، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
٢٦. مدرسی، محمد تقی (١٣٧٧ش)، *تفسیر هدایت*، مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
٢٧. محمودی، عبدالحسین (١٣٩٦ش)، مقاله تأملی بر کتاب حقوق خانواده تطبیقی، مجله: نقد کتاب فقه و حقوق، شماره ٩ و ١٠.
٢٨. مغنية، محمد جواد (١٤٢٤ق)، *التفسیر الكاشف*، قم: دارالکتب الإسلامی.
٢٩. مقاتل بن سلیمان (١٤٢٣ق)، *تفسیر مقاتل* بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٣٠. مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧١ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
٣١. _____ (١٣٨٦ش)، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
٣٢. _____ (١٣٧٣ش)، *ترجمه قرآن کریم*، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامیه.
٣٣. نجفی خمینی، محمد جواد (١٣٦٢ش)، *تفسیر آسان*، نشر اسلامیه.
٣٤. واحدی، علی بن احمد (١٣٨٣ش)، *اسباب النزول واحدی*، ترجمه: ذکاوی، تهران: نشر نی.
- ٣٥.

